

(قیمت سالانه) درین جریده از هر کوچه علوم و واقایع سیاسی و امنی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
 (مطبوعه و اداره خانه) ازو زرا و اعیان دولت بقدر  
 معارف دوستی شان برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی  
 و معاونین و قائم نکاران (ضفری) را گذاشت  
 از عموم خریداران در داخله  
 (۱۲) روپیه کابلی در خارج  
 سیم بوند انگلیسی با محصول یونته  
 از طلاق و محصلین نصف قیمت  
 شمعاهه  
 داخله خارج  
 (۸) روپیه (۷) تلنگ

تاریخ قری (۲۸) صفر (۱۳۴۴) ۱۳۰۴ هجری

۵ شبہ

تاریخ شمسی (۲۵) سبtle ۱۳۰۴ هجری

## (هیجان چین)

(۷)

هیجان که یکی از ارباب قام در روز نامه شریفه ستاره ایران

قیمه امروزی چین یک قصیه کوچکی نیست که سر مری را آن نگیرم. حدنه چین یک حدنه هادی نیست که ذکر آن را از نظر دور کشیم.

از طرف پلید بر تمدن و اجتماع کنونی دیبا نفران گفت که هیچ گوششان و هیچ منزوعی و معترک را رهانکرده خواهی نخواهی

موده ایدان جدال و قتال و کشمکش حیاتی سوق میدهد.

از طرف پلید بهم تبعیت نیوی این تدن آفرین گفت که قویش

بر کل ملل غالب شده همه را بیدان مبارزه میکشد لیکن این چین است که هزاران سال بود خود را از دخول

و خروج اجنب محفوظ و مصون داشته با جماعت داخله خود

قامت نموده از اجتماعات سایرها بر هیچ محدوده و از خلطه

و اینش با این درگیری بود اما روز گار او را رهانک ده در این فرون اخیره دست او را بدست سایر ملل و دول داده

کشیدن خواه خواه برای حفظ منافع خویش و محض دفاع از حقوق جان خود مسلح گشته، این قصیه جامیفه ماند که دنیای

ولی چکنید نمیشود می بینند این الفاظ همه برای آن وضع شده است که روح مقاومت بیزید و حس انتقام معدوم شود ناگزیر دستان هستی زیر دستان را ببرند و او ب طرف باشد. این تایک اندازه و دواندازه و شاید دماندازه ممکن است ولی اگر بی اندازه شد از فی طرف خارج شده صدای طرف بلند میشود. آه و صد آه که بشر در حسرت صلح و سلامت، در حسرت انصاف وعدالت، در حسرت راستی و درستی و تمدن حقیقی، صرده و مدعید، و هر گز روی آن را نخواهد دید. نه تنها این آه و افسوس رای زر دستان است، بلکه بر حال زر دستان نیز شامل است. چه اگر زر دستان زیر دستی خود را تایک حد محدودی متوقف می داشتند و هر دم قدم فراتر نمی شاند باعث حدوث این همه حوادث خوبین نمی شد که بر اثر آن حوادث جوانان بیگناه خود شان هم پدرود حیات گفته از نعمت زندگانی بی بهره شوند وزنان بدینخت به فراق آنها مبتلا شده ناله جگر خراس از دل برآردند. آری این حوادث است که روز بروز برعده زمان بی شوهر می افزاید و از عدم مردان مالک می کاهد بقیه که در بعض موقع ناله زنان اروبا را بگوش خود شنیده ایم. و خود معتقد که اگر زنان را بر مردان تقسیم کنند هر مردی دارای سه زن تواند بود.

باید گفت بشر خیلی غافل است، باید گفت هنوز علم خلقت بصری محمد بلوغ رسیده و عاقل بپرور نگشته، هنوز عده عقلاء خیلی کم است، هنوز مردمانی که خود را فیلسوف، یادسلمه، یاناینده ملت یا خیر خواه بشر میدانند حکم طفل دارند که اطمع یک گردی بوج هزاران مشت برهم جنس خود می زند و هزاران مشت می خورد تا آن گرد و را بدست آرند.

وطیار بدان را درین راه اجرادشت و اکنون (عقبه) و (معان) را که مبدأ اصلی ویک وجهه سیاسی و جری و اقتصادی مهم دیگری را هم داراست از حکومت حجاز که امیر علی بران حکمران است جدا کرده به (شرق اردن) که تعلق دارد به انگلیس و امیر عبدالله پسر دیگر شریف حسین حاکم موقت آن است. شامل ساخت و چند روز بعد حکومت شرق اردن محسنه باعقبه و معان بلکه تبعک، مدائن و صالح بجزو فلسطین و مستقیماً تحت اداره انگلیس خواهد آمد. گویا به مسافه بسیار اندک حکومت انگلیس قرب مدبنة متوره خواهد رسید. ویک قسمت محمده راه آهن حجاز را هم متصرف خواهد گردید. و بعد از جدی (مویلخ) و (الوجه) و (العلی) را هم بدست خواهد آورد، بعارت دیگر بزم حجاز زیر حکومت اجنبی خواهد آمد.

با این نظر . (معان) مبدأ راه جدید هد و بندگاه (عقبه) مسکر و استحکام قوی نظامی گردیده تمام اعمال و جریانات در شرق را مراقبت می‌نماید. جریده (وست منتریگرت) مقاله در این موضوع نظر داده که معنی عبارت فوق را حاوی است جنابه می‌نویسد. حکومت بريطانیه در عقبه یک استحکام و قرار گاه جدیدی بدست آورد که میان شرق و غرب بیسان و محافظ میانه همچنان که (سویس) هم ترین نقطه است برای اصال ما هر راه شرق . درین موقع لازم دیده می‌شود که حینی از حالت جغرافی و اندکی از سرگذشت تاریخی عقبه و معان برای زیادت بصیرت سوییم .

محراج ر در طرف شمالی دوشق شده بصورت دو تکه طولانی بعلف راست و چوب جزیزه نمای (بنا) امتدادی باید. از طرف چوب به (سویز) میرسد که بواسطه کنال سویز با مجر روم متصل گردیده و از طرف راست به جانکه (عقبه) نام دارد متنه میگردد و به این سبب خلیجی که این شاخ را تشکیل داده به (خلیج عقبه) موسیم است . (معان) بطرف شرق و شمال عقبه بر راهیک از مدیه به شام میرود واقع است. عقبه یک محل بسیار مستحکم مجری است که اطراف آن را کوه های دیوار ماندی احاطه کرده است و این کوه ها تابه (عربه) امتداد پافه است. خلیج عقبه از معروف ترین خلیج ها بشمار میرود. بسیار سهل است که میان عقبه ویکی از بندر های ساحل مجر روم که واقع کنار فلسطین است تکنال حفر شود و مجر روم با مجر احمد ازین راه متصل شود. در این صورت انگلیس از احتیاج کافی که بعصر برای محافظه راه مجری هند دارد مستقی میگردد و همیت مصر از میان میرود. همین نظر را انگلیس ها هم در نظر دارند و عنقری به اجرای آن اقدام خواهند کرد. معان برای راه بری تابصره و پیش راه هوانی تاهند مرکز مهمنی است. گویا از استیلاه بر عقبه و معان انگلیس مالک دو راه هوانی. و بری و مجری بهند می‌شود. و از

را حفظ کنند چاره جز غلامی و اطاعت دیگران ندارد. پس ما برادران جینی خود را یاد آور می‌شویم که بزرگترین مملکت کره ارض می‌باشد هم از روی مذهب و مروی ملت شما یک از مملکت قدیمه عالم ید فتوس شما از فرق تمام اروپا که نیست مساحت خالک شما از مساحت تمام ابریش روش است. این مملکت بزرگ رز خیز بتابه تاج برابر است کسی از شما نمی‌شود که بشما ظلم میکشد اما شما دارای حق آزادی باشد وارکان از بعده تمدن را بند شوید کدام قوت است که بتواند در مقابل شما ایستاد کند و کدام ملت تواند بشما ظلم نماید ای برادران جینی بجواب استغاثه نامه شما میگوینم با این هیچ وسیله از وسائل مشروع و غیرمشروعه درین راه خود داری کمال همدردی را نسبت بشما داریم واز ظلم و اجحاف که نمی‌کند، والحق که حق هم دارد زیرا عظمت و شوکت بلکه بقاء می‌شود متأثر ولی در قلب هم برای انتقامه نامه شما یعنی سوجان حکومت انگلیس مربوط به هند است. اگر هند عنصری یا بعبارت ساده تر جان ترسی شما تأسف می‌نماید از دست انگلیس برآمد علاوه از رفت مستعمرات و ممالك تحت عدد ظالمین نسبت بشما بلکه بر هزار هم نیست ظلم مکانی و مگویند که در مقابل ظالمان طاقت نداریم که آن وقت در جهان گفته اید که برای کشیدن بار نگش اور و طافت فرسای که در دنیا واقع شده و باواقع می‌شود جون آن را بالظر فلسفیانه صلح مستوجب اید .

اگر شما از جان ترسید و در مقابل دشمن ظلم نکنید همان دشمنان تان هم باشما همدردی بیدا نموده دوستی تان را تقدیر خواهند نمود . پیغام برای و برادری بشما خواهد نگریست چنانچه با ترکان تریستند یعنی همان دشمنانکه در محابادی این ملت بودند هر یک بر دیگری بدوستی آن را وقت ورزیدند یا نیگوئیم استغاثه نامه فرسنید و پروتست نکرد فقط میگوییم به پروتستهای میان خالی واستغاثه نامه های مجری میگزیند گرچه باندازه بهلوان خون ریزی در آزادی قاعده نه نماید. این استغاثه نامه های جزیک تولید حس همدردی هر مات بعقدر عظمت آن ملت امانت مات جین در راه آزاد خود خلیل باید قربانی باشد باید شهر های خون جوانان جزو در راه استقلال و آزادی ملی جاری گردد . تا چین آزاد شد از آنکه بکر راه کوتاه تر غیر از راه فوق تا هند اخراج نمایند . هر چند کوشش آزادی خواهد یافت آسیا عبارت از سه قطعه بزرگ اند نه فنوند راه سکونتاه تر غیر از راه کوتاه جه جیمه چین است .

سیر یا که غیر آباد است سوم هند، سایر قطعات آسیا مانند ترک ایران افغان جینی شما حکومت دشمنان را در خلیج فارس به کراچی میرسد . راه آهن وار بجا با کتفی از خلیج فارس به کراچی میرسد . راه نیست هندوستان قسمی غیر مستقل و غلام است که بخود نیتواند فانده بر سانده تالیه رسید بینگری . ای برادران جینی شما حکومت دریا را دارید و دشمنان تان حکم ماهی در دریا را بیک تمویج می‌قدر اید که کلیه دشمنان خویش را از خود دور سازید . اسas ارکان اربیه نمایند در شما موجود است فقط جنبش ملی واژ خود گذشتگی لازم است که دشمنان شما اند استغاثه نامه شما را لیک اجاد نمکان سایی آن زمان انگلیس توانست موفق باجرای از مطالعه استعاری جیز دیگر نیست وارویا که همان دشمنان شما اند استغاثه نامه شما را لیک اجاد نشود . جون بعد از جنگ عمومی بلاد عرب، عراق و شام از گویند آب حیات در دست خود جینی است و حیاتش در ده فرزندان اوست .

آری این الحق متمدن قرن طلائیست که هیچ وسیله از خیال جهان گیری و از اراده استغاثات زائد از حد لزوم واز فکر بودن مال دیگران و تضییع حقوق سایرین منصرف نشده دیدم آتش های جنگ و جدل وغیره وغیره را دامن میزند. ما کمان میگزیم که این سخنان مششع ما که میگوییم قرن طلائی قرن انوار ترقی عقول و افکار مخصوص این دوره و خلق این دوره است ایا نهایتی همچنان تاریخی است که میتوان برای این اتفاق کرد؟ نایاب است که از یک میلیون سال قبل تا کنون همیشه عادی بشر است که از یک میلیون سال قبل تا کنون همیشه خود را اشرف مخلوقات و عاقل و متمدن میشمرده . و در هر قرن زند کانی قرن خود را قرن طلائی و قرن تمدن مدانسته و بمندرجات عقلانی بیدا شده اند که فرمیده اند که این فکر غلط است و هنوز قرن طلائی نیامده جانک (سن سیمون) فرانسوی که در حقیقت مؤسس اساس سوسیالیسم بوده یکی از کلاته قصار او که بر قبیل حکم کرده اند اینست « قرن طلائی در گذشته بیست بلکه در آینده است » این تو او نایاب میکند مقصد مارا و میفهمند که مردم قرون گذشته بیش قرن خود را قرن طلائی میدانسته اند . باز امروز باید که سن سیمون تکرار شود و گفته اید که قرن طلائی این قرن نیست والشامله در آینده است .

بلی اگر روزی باید که دنیا اکثریت عقلارا در خود بیندازی نشانه که خود زمامداران عاقل باشند و ابدآ بجهانی که اخاب جنگ میکند از قبیل تصرف در حقوق دیگران وغیره دست زند آن وقت مشهد گفت قرن طلائی آمده و بشر عاقل شده والاجز حرف جیز دیگر نخواهد بود . پس قول جریده شریفه (جل المتن) : « این استغاثه نامه های جزیک تولید حس همدردی در بعض متصوفین دنیا هیچ نداد - طیعت حزین اولاد بشر خاصه سرمایه داران غرب بظلم و اجحاف سرشنط شده است هیچ جز قوت جلوگیری از آن تواند نمود در راه حفظ استقلال و آزادی وطن خویش از مال و جل واولاد گذشتن و دشمن را از میان برداشتن باید . امروزه اساس تمدن هم بروزی همین عمل گذاشده شده - حکمها می فرمایند تمدن دارای چهار رکن است - اول از خود گذشتن یعنی جان ترس نشدن ، دوم چشم پوشی از مال و مثال در حفظ استقلال و ناموس وطن ، سوم علم یعنی واقت بمقضیات زمان بودن ، چهارم قادر وساعی در رفع احتیاجات خود بهر وسیله نمکنه شدن . فلاسفه می فرمایند اسکریپت از این ارکان اربیه تمدن در مراتی ناقص باشد از ملت را متمدن گفتن غلط است جزا که لازمه احتیاج ذلت است و اثر جهات مرکب سواری دلایلان شدن است و پر کسی که در راه شرف و حفظ استقلال خویش و آزادی وطن خود از بدل مال و مثال دریغ دارد تیجه جز خواری زد دیگران بار نیارد و همان ملت که از جان خویش بتسد و در سایه تهور نخواهد جان خویش

واین مسئله مسلم است که در بار لندن از خرید جزایر فرقه الذکر که در دهه خلیج فینلاند واقع است منظور و مقصودی جز از تهدید مستقیم پتروگرد بجهت قضیق و احیا در بار مسکو به پذیرفتن پاره شرائط ممهه در بار لندن وروشن مودن سیاست خویش ندشته وندارد زیرا که حالیه ازه میدان مبارزات بولیسی و دیبلوماسی مایین دولت ساویتی و حکومت انگلیس باز شده بیانه گی دولت بریتانیای کیم مبوق و مستحضر شده که در صفحه شترنج سیاست باریق بزرگی طرفت پیدا کرده باشد.

## \* بودجه جماهیر سوری \*

بودجه جما هیر متفقه ساویت شوروی که در بار لمان در تاریخ ششم مارس هده السنه عوچ مذاکره کذاشته شده بقرار ذیل میباشد: در سال ۱۹۲۵ هام عایدات جما هیر متفقه بالغ بدو میلارد دویست و هشتاد ملیون میلیون میباشد که از این بع دیل اخذ میشود: از مالیات هایک میلارد میلیون میباشد - ازدواج و موسسه ها و تجارت تجاهی دولتی و فایریک و کار خانجات و غیره دویست ملیون میلیون میباشد - پیشتر ازیک میلارد هم ازیک میباشد - حاصل و به محابرات لازمی مصروف میشود که این مبلغ در نطق (بریونخاف) در بار لمان ضمن تشریع بودجه واضح نشده است.

این یک میلارد عایدی فوق مالیات های شهری است که گرفته میشود و در سال گذشته ۷۰۰ میلیون میزان مالیات های بود و در هده السنه دولت در نظر گرفته که به یک میلارد بیشتر کایه محابرات غیر ازیک میلارد محابراتی که ام برده نشده است یک میلارد دویست ملیون میلیون میباشد به ترتیب ذیل مقسم گردید: برای مصارف قشون و بحریه ۶۰۷ میلیون حال گذشته ۴۷۶ میلیون بوده.

برای مصارف کمیساریها ۱۶۸ میلیون بار سال ۱۹۲۳ میلیون بوده است. برای مصارف کمیسیونات صحیه ودا خلدو غیره ۲۹۱ میلیون پار سال ۱۸۲ میلیون تخصیص داده شده بود برای مصارف خیریه دولتی ۴۶ میلیون ودر سال گذشته ۱۴۲ میلیون بوده. برای مصارفات فوق العاده ۱۸۰ میلیون بوده است. وجوه کله برای فرند دولتی کذا رده شده است و برای مصارفات فوق العاده داده خواهد شد زیاد از طرف غایبند کان بار لمان بودجه سال ۱۹۲۵ دولت شوروی رویه بترتیب فوق از طرف بار لمان تصدیق و تتصویب کردید.

شورش بعد از آمادگی های منتظم روی سکار آمد، اگرچه جنگ سرایل در راپورت خود نهاده ایشان را که بر قشون فرانسه وارد آمده نتوشته ولی از اخبار ریوتور معلوم شود که درزی ها در هر محابرات به کمال شجاعت جنگیده و پیشون فرانسه تلفات مالی و جعلی رسانیده اند.

هر حل مشکلات فرانسه هر روزه مصاعف می شود. ازیک

شورش مراکش حواس خود را باخته بود اینک در شام پیش

هان صورت پیش آمده و فرانسه محصور است در هر بیدان جنگ

قدون مکمل و مجهزی آمده سازد چنانکه پیش هزار قشون که

پیش از مراکش تهی شده بود اکنون قطعه قطعه بشام میفرستد.

از طرف دیگر اعتبار اقتصادی فرانسه هم روز بروز تعلیم

بینکند، امریک و انگلیس قروض خود را می طلبند. (۱۰۳)

فرانک به یک بوند مبادله میشود تنها در مراکش زیاده از

بیست کرور فرانگ به صیرف رسانیده اند. این مصارف تازم دیگر

میباشد. علاوه بر قبایل سرحدی در لشکر شجاع رفته است که هر روزه بربودجه کر شکن فرانس زیاد میشود.

(۱۰۰) هزار مرد کار آزموده که در محابرات با اسپاچان

کامیابی و قتوحات را چشیده اند موجود میباشد. از آن انتراکین مخالف محابرات در مستعمرات فرانسه میباشد.

گمان میروند درین زودی ها نتیجه این کشمکش های شدید

و سخت بالآخره به اقلاب حکومت مجر خواهد شد.

## (روسیه و انگلیس)

از بولن اشعار میدارند کدر کیگر. هموی پایوبی کدر میکو ایفا میکنند. هر حال اکنون قشون امدادی میسد و بر

ایضاً اتفاقیافت رفیق (فریزشو) فرمانده کل قوای دولت

ققیرات ذیل را نمود که نظر بر این تهدید آن در اینجا عیناً نقل نمودیم:

در حالت عاضره تقلیل عده اردوهای احر غیر ممکن اینست

سازد که شورش درزیها یک بغاوت عادی و معمولی است. لیک

زرا که حکومت پایوبی در موضوع خلع اپله و تقلیل قوا

که بدول معظمه و متوسطه ارویا مراجعت و پیشنهاد کرد، نه تنها

نیستند. جونسک (ریوتور) خبر میدهد که درزی هار اهل

اعانت میکنند. و نیز اطلاع میدهد که مردمان امیر هبدله

فیصل درزی هارا پایوبی می غایند لیکن جنگ سرایل در راپورت

های خود مینویسد که حکومت انگلیس باما رویه دوستانه ای این انتشارات در بار مسکو چه گونه میتواند از قوای احر کارته خود

اطلاعات تلکرافی معلوم میشود که شجاعت های متولی درین

امواج جهاد حریت را در ایالات شام انتشار میدهد. درین

پیش از قیام تمام عایله و اموال و معاشر خود را به وادی (ارول دا کونه) که دولت توانی به انگلستان واگذار گردید

فلسطین فرستاده اند. ازین فراز بخوبی معلوم میشود که شورش اهلار عقیده نموده است که در صورت ختم این مسئله و فروش

از اعراب شام، فلسطین و شرق اردن هم به آزادی طلبان پیشگیر

نموده اند. بلکه درین شورش اکنون اینکه اینکه و نیز همین

خطوات زیادی که برای محافظه هند برای او لاحق است آسوده میگردد. سایر وجوده فوق عقبه یات محل بسیار مهم بوده است. سلطان عبدالحمید با اینکه بسیار جاهارا برای فشارهای فرنگی ها از دست داد. از محافظه عقبه صرف نظر نکرد و آن را با اختیاط تمام نگذاشت. حق حکومت شام ازو تقاضا نمود که عقبه و معان را به حکومت شام ملحق سازد ولی سلطان قبول نموده گفت این هردو نجا جزو حکومت حیجاز و نقطه حاکم بر حیجاز است و نیز اگر به شام ملحق شود اجانب در اینجا هم نمود پیدا کرده طالب امتیازات می شوند.

بعد از جنگ عمومی تا پیش وقت عقبه جزو حیجاز ماند و شریف حسین بران حکمران بود. انگلیس ها هر چند کوش نمودند که حسین را محروم بین را خنی کنند که عقبه و معان حیزو شرق اردن شود، حسین قبول نکرد، در این اثنا حکومت لندن لائمه در باب حدود فلسطین به مجمع اتفاق ملل پیش نمود و برآنها قدر لاید. در این لائمه حدود مشرق و جنوب فلسطین را طوری میگیرد نموده بود که بتواند آن را تا محیرای شام و معان و عقبه امداد دهد. این سازش انگلیس ها وقی کشف شد که حسین برای دعوای خلاف خود به شرق اردن بود. انگلیس ها امیر عدالله را هم تحریک نمودند که پدر خود را یک نوعی به الحق عقبه و معان با حکومت خود که در شرق اردن است راضی نمایند اما حسین به این هم رضانداد. در این وقت که امیر علی از طرف خدیها محصور است انگلیس به امید معاونت اورا راضی ساخت به اینکه عقبه و معان را از حکومت حیجاز منک و به حکومت شرق اردن ملحق کرده تحت رحمت و رافت خویش بیارد. همان بود که جندی قبل اعلان الحق داده شد و برای اعتلای لوای شرق اردن با پیرق برطانی بر عقبه و معان احتفال و جشن بزرگی بعمل آمد پایانه انگلیس در تکلیف عقبه و معان ازولايت حیجاز والحق آن به فلسطین هرج اهیت مشروع بدمست ندارد جریده (دیل هرالد) لندن در این زمینه مقاله نوشتند و در ضمن میگویند پیش وزارت مستعمرات برای دفاع ازضم عقبه باشرق اردن غیر از دلائل استعمالی که درستی نظیری ندارد، پیشتر جزئی نیست. عقبه تقریباً از هفت سال پایانه از هفت جزو حکومت حیجاز بود و خارج از وزارت مستعمرات برطانیه بخاطر کسی خطرور نیکرد که از شهر های حیجاز نیست یا شرق اردن دران حق دارد. حکومت شرق اردن هم ازین حقیقت جاہل بوده است زیرا کبطان (برنبون) نمائنده برطانیه در شرق اردن و خلف او مستر (فلبی) هردو غر اعتراف قطعی دارند به اینکه عقبه از وقت جنک هرج ایضاً حیجاز است در اینصورت باید ازمستر (امری) در برایر شهادت دوغز فوچ برایین قاطعه برای اثبات دعوی او خواسته شود. چنانچه در بالا ذکر یافت اکنون انگلیسها به حفر کنال از

معاهده ضمانت پیشنهادات شده است . بولیند آلمانها را که در مملکت اوست جبرانی کشد . کارخانه معروف موتوسازی آلمان بوجه مغلوبی از چندی است که شخواه عمله رانداده و از حکومت پروسیا (۳۰۰) هزار مارک قرض خواسته است .

الان جواب یادداشت فرانسه افستاد . درین جواب علاوه از اطهار اتفاق برادامه مذاکرات این راهنمایی است که برای گفتگو با مختصین متعددین یکنفر نماینده می فرستد . جرائد روس بر علیه معاهده ضمانت غوغای انداخته می گویند این معاهده بث سازش بر علیه روسیه است المانی هایی که از بولیند به وطن خود مراجعت نموده اند حال شان بسیار خراب و وزار است حتی کمبل بوشیدن هم ندارند . روس جمهور اوز رام ولایات آلمان راجع غو ده توصیه کرده است که چنان این فاقد کشان را یک طوری بنمایند

### (انگلستان)

از عباری دختران از وطن را مردم تعطیع نموده برای کارفعش به هدف یوتکالی یادگر حکومتهای داخلی هند نی برند وفاخر می سازند ، مستر ایج دی . در پارلمان اعتراض نموده که جرا ایضطرور نمیشود ؟ اول و شرمن جواب داده که حکام هند به این مسئله عطف توجه نمایند . عمیاً جر اس ترايج دی از فاچه شدن دختران دیگران یعنی متأثر نمی شود ، دختران اروپائی بادختران هندی در این خصوص چه فرق و کدام امتیاز دارند . بازار صنعت قیاس باقی خیلی کاست و فاسد شده است علتش این است که قیاس یافته از احتیاج ساخته شده است . (۱۰۰۰) بوند برای تعبیر کشته های جدید جنگی ضعیمه بودجه انگلستان شده است . درنو ایج که برج دوجه هر ای اعتماد نموده سه نفر طیاره بی ماه هلاک و زخمی شده اند

### (جبان)

دراواخر جولانی کایته حکومت جبان استفاده از انتقام این بود که دار بپیشنهاد وضع محصولات تازه اختلاف تولد یافت بازان شدیدی بازیده وار باعث سیلاج جایجا گودالهای دزدیه بیداشده است و (۱۵) آدم هلاک و (۹) نفر زخمی گردیده است .

### (جین)

محصلین مکاب از عایاش دادن دست کشیده اند . مبلغین عیوبت که دستگیر شده بودند وها کرده شدند . بعداز گرفتاری وزیر خارجه (کینن) عساکر چین که افسران شان بالشویک میانند بر حکومت کینن استیلا نمودند ، بعضی زد و خورد های جزوی هم واقع شد و در عسکر (کینن) از کسانیکه مشته بودند اسماه گرفتند .

## آثار وداد و یگانگی

### ایران و افغانستان

وداد و یگانگی که بعداز جلوس اعلیٰحضرت غازی امیر امان الله خان بین دولتين ایران و افغانستان که حکم دو برادر چنینی دارند صورت گرفته . آثار و علام آن وقت وقوفنا از طرفین ندهیم . پس این یک اصل ویاک (برنیب) ویاک مذهب و عقیده ایز ورز نموده و بر میز از این دوستی و اتحاد افزو که تازه پیداشده و اصول وطنیت را که قرتهای نامحدودی میز داشت . درین اوقات که اعلیٰحضرت محمد علی میرزا یزد اعلیٰحضرت احمدشاه ابد شاه ایران وفات کرد ، اعلیٰحضرت افغان شریعت بوده است تقویت میکند آیا تازه مسلک پیداشده است که شرف را هم نمیکند ویاک جذب اطهار تابض و ابراز همدی کردند . بیت به این اظهار نات کند که شرف هم دروغ است ! و باین جهت بعض افراد هدری اعلیٰحضرت همایون در موقع وفات اعلیٰحضرت محمد علی با کمال شجاعت و صراحت برخلاف قول و عهد برخلاف امام میرزا ، آقای شهاب الدوله رئیس تشریفات پلطنتی ایران بیانات آنرا بسفارت افغانی مقیم طهران اظهار داشته است .

خبر شرف دروغ نیست و ممکن هم بیست که اصل در دنیا بروز شنبه ۱۶ جوز ابود . حضرت والاشم الدله که رئیس شود که شرف را زین ببرد .

برای این این نظریه لازم است بدوانی شرف را فهم که والاحضرت اقدس ولی عهد فرمودند تلقی از رفع المأک شرف عبارت است از تخلیق به تمام آن اخلاق و صفات که در جهان رسیده و شرحی از تأسیفات اعلیٰحضرت امیر غازی در قضیه مستحسن است و احتجاب از تمام صفات که در جامعه متغیر وفات اعلیٰحضرت محمد علی میرزا تبر حروم و از همدردی هایشان مبعوض است

در هر جامعه ای هر قدر هم وحشی و جاہل یا متمدن وهم نموده بود که واقعاً هر قدر فکر میکنم آنکه شایان ولی بی اخلاق و بی عقیده باشد ، دوسته اخلاق و صفات موجود ادای شکر چنان بیان بوده باشد بدست آورده نمیتوانم و نمی است : بلکه دسته محبوب و مستحسن ، بلکه دسته منفور و مستهز عقائد و افکار و قضاوت عمومی حامی و ناظر و حافظ این اخلاق است هر کسی از حدود افکار عمومی تعاویز کند یعنی ملا خجته صفات اعلیٰحضرت همایون و دولت و ملت افغانستان دارم قدم نمایند .

## (المان)

معاهده بین فرانسه و آلمان راجع به مسئله مرحدات دولتین

خصوصاً بیل های رو دخانه (راین) از طرفین امضا شد .

مالیات جای در آلمان روز بروز در قیمتی است و ازین باعث خوف آن میزد که حالت صفت و حرفت پیشتر نازک بشود خبر نمی

میزد که در همه طبقات نالعمنی اشتار دارد و مزدورها تقاضای ازرو مواجب دارند ، مستخدمین راه آهن تقاضا نموده اند که

که در مشاهرات اوشان (۱۵) فی سد افزووده شود . واگر مطالبات

بسیاری بینت و میزان صحیحی غیر این ندارد که علماء اخلاق

صفان که وجود آنها در جامعه منشاء خیر اجتماع میشود آنها

معان و صفات که وجود آنها اسباب اختلال نظام اجتماعی

آسایش عمومی میشود جزء قابع و ذمایم اخلاق میدانند .

که فرانس در برلن میان آلمانها و روسها انعقاد یافت . این

این یک میزان خیلی خوب و مفیدی است برای تیز اخلاق

(ربالو) که میان روس و آلمان نمیگذارد این میزان سالم

(ناتمام - از شفق سرخ)

شرف هم دروغ است \*

روزی بعثت بی از دکترها برای معالجه رفت به بودم دکتر در بد ملاقات پاییت لبجه جدی و رسمی بر سید و آیا شرف هم دروغ است ،

بعنی چه شرف هم دروغ است ، مقصود ازین حلجه چیست ؟ فکر من از سؤال اورفت بطرف فح عادی و عقلی . خیال کردم میخواهد وارد این بحث شود که آیا شرف از مکارم هادی است یا عقل و کارهای مختلف شرف و حیثیت قبح عقل دارد یا هادی و بدیهی است در سوری که از فضائل هادی باشد مصدق آن در از منه وامکنه مختلف مختلف میشود :

چیزی که امروز در ایران ارتکاب آن مختلف شرف است شاید در بعض مالک یا در بعض ادوار مختلف شرف نبوده است

بعض مقامیم دیگر هست که در هم وقت وهم جاییک شکل تلقی میشند یعنی ارتکاب آن مختلف شرافت ذاتی بوده است - در

هر صورت این یک بحث دامنه دار و قابل صحبت است .

فلسفی آن نیست ، مقصود من بحث در این موضوع و تجسس عقل اعتماد و واسطه ارتباط و معاملات و اطمینانات بود ، دیانت انسان

را از عموم رذائل دور نگاهداشت و مجبوراً انسان را به اغلب مکارم و فضائل نفسی که قوام و نظام هیئت اجتماعیه مربوط به است

ترذیک میکرد و ادعاع بیادی دینی جزو ضروریات حیات اجتماعی بشار میرفت . یک دسته آمدند و برای آنها این کاخ سعادت بصریتیه برایه عقائد دیگر زندن تا ارکان آن را در تقویں سنت

نموده و افراد غیر معتقد به مبدأ و معاد یا متزلزل در این عقائد زیاد شدند پس برای زنده گان در اجتماع که اعتماد و اطمینان به یکدیگر لازم است اذعان به بیادی اخلاق ضرورت دارد .

اما دیانت مردم را از دروغ گفتن ، از خلف وعد ، از دو روی و ظاق ، از تعضیع عهد ، از خوردن مال غیر ، از ایذاء بصیغه وغیره وغیره منع میکرد . در آن مملکت های که بیادی دینی ضعیف شده است بیادی اخلاق و یا شرافتی بر فتوس حکومت میکند : مردم دروغ نمیکنند برای اینکه میترسند بی جیشت معرفی شوند ، دست درازی به حقوق و فواید دیگری

نمیکنند برای اینکه پیشرف معرفی میشوند . وطن برستی یکی از فضائل بلکه از غرائز و فطریات بشر بضمایر میگفت : سایقاً هر کسی برخلاف وطن و اصول وطنیت اقدام میکرد خائن و نی جیشت و پیشرف معرفی میکند اخیراً بکی عقیده بزرگ و علمگری در دنیا پیدا شده است که وطن پرسنی واقعی کرده و تشتیت با اصل را باعث زبان و خسروان جامعه

## ﴿اقوام عالم اسلام﴾

این جه شوریست که در دشت و جبل می پشم  
مه آفاق بر از مکرو جبل می  
دوستان را همه جامهر بلب می یابم  
دشمنان را همه باجنگ و دهل می  
قر کیا را که بران تاخته رخش اقبال  
دست و پاسه اجمعاع ملل (۱) می پسند  
ریفیان را که سر خویش نهاده بر کف  
در ته خنجر بسداد دول می  
معربیان را که یک گرم عمل می بودند  
سر بسر شعله زن کشت امل می پسند  
هدیان گول عدو خورده هم آورند  
بای شان در ره این بادیه شل می پسند  
بد و بیان خالک مقدس که نمودند خراب  
زان یک بخند که مصروف عمل می پسند  
یک طرف پسلویان رو بهاده بکسو  
کشمری (۲) راهمه گی غرقه دل (۳) می پسند  
شد زیر واژ بريطانیه مسعود خراب  
در کهستان مده جا قصه تسل (۴) می پسند  
سنگ وزر خیز افغانان طلباین جه عجب  
یا مگن هاست که در گرد عمل می پسند  
از من زار باولاد وطن باز رسان  
«این جه شوریست که در دشت و جبل می پسند»  
مه آفاق بر از مکرو جبل می پسند  
مرتضی احمد خان محمد زانی  
ریس تحریر حربیده تنظیم امر تسر



(۱) بجمع اتفاق ملل

(۱) کشمری

(۴) دریا چها و تلااب های بزرگ که در کشمیر است  
و مردم برای کشی سواری و سیر و فرج آن میروند در اخوا  
به نام (دل) بادال هندی مشهور است  
(۴) نام جای معروف است در وزیرستان که قلعون افغان  
در محاربه استقلال آنها را تصرف نموده بودند

در مطبوعه امان افغان طبع گردید

## ﴿گوشت خوریده﴾

جعیت (انگلیس سیدنکنگ یونین) لندن، اطبای کنیدا  
و امریکا رابرای صرف طعام دعوت داده بود، درین ضیافت  
طیب معروف و ماهر امریکا داکتر (ودهیجن) دایر به حفظ  
صحت جسمانی و افزونی قوت بدنی بعض یانات مرغوبی اظهار  
داشت در ضمن این یانات خود حاضرین را بالفاظ حزار ناک  
تاکید و توصیه نمود که  
گوشت خورید و بسیار خورید. گوشت آقای طعام هاست  
هر گوشت اینجین اجزانی که برای صحت مضر باشد موجود نیست  
امنکه میگویند خوردن گوشت امراض عصبی و درد کرده  
قولید می نماید افانه و خیال کنه و محض مبنی بر جهات است  
اقوامی که گوشت بسیار میخورند عده اموات آنها نست بدیگر  
اقوام کمتر است. اقوامیک سبزیها و دلال میخورند جبارت  
وقوت قابی آلان ازگلو و خرگوش کمتر است، همراه گوشت  
غذاهای عمده و لطیف از قسم مسک و دیگر اشیای روغن دار  
هم ضروری است.

## ﴿اندر ز ادبی﴾

از طبع صادق بروجردی

گر که میخواهی بدنی یغم و تشویش باشی  
باشد اعمال نکورا در پی فقیش باشی  
لیک در و قبیله میینی کسی در محنت و غم  
دوه از اتفاق باشد گر که بی تشویش باشی  
بانکو یان نیک باش و با بدان مانند ایشان  
بایه خواهد کرد گرگ ظالم گرمیش باشی  
لذت ممکن ناکس که خواهی دید عین آن بیدرا  
هر نکونی بیشت آید چون نکو اندیش باشی  
مشعن اخونخوار در دنیا نگردد دوست بانو  
ساد گئی باشد که هریگا نکانرا خویش باشی  
در حنان جن نکو باشد ترا از هر راحت

در جهان گر هیم و همراه با درویش باشی  
 Hustحق را گر علنی نصیب از نوش و نعمت  
میزد سد بهر تو آزوی گر زیر نیش باشی  
چون سر افرادان به باشی شرافت پیش مردم  
خود مکن کاری که نزد خلق سردریش باشی  
حرف بد از زخم شعیر است بدتر بر فقیران  
(عادقا) حرف است گر بد حرف یابد کیش باشی